



The Impact of the Environment on Economic Behavior from the Perspective of the Holy Qur'an

Alireza Lashkari¹ , and Masoud Davodipoor² 

1. Associate Professor, Department of Economics, Social Sciences Research Institute, University and Seminary Research Institute, Qom, Iran. Email: alilashkari@rihu.ac.ir
2. PhD student in Islamic Economics, Hawza and University Research Center, Qom, Iran and researcher at Qasd Institute (corresponding author). Email: mdavodipoor@rihu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/08/10

Received in revised form:
2025/12/08

Accepted: 2026/03/03

Available online: 2026/03/31

Keywords:

Holy Qur'an, Economics,
Environmental Influence,
Economic Behavior.

ABSTRACT

Economic behavior is a systematic study aimed at understanding the causes of human economic behaviors, improving predictions, guiding decision making, and controlling their consequences, with the purpose of uncovering hidden realities within economic actions and correcting undesirable behavioral patterns. The necessity of understanding the influence of the turbulent and dynamic economic environment on economic behavior—especially in the age of communication, information, and technological innovations, alongside severe economic fluctuations and the need for rapid responses to changes as a competitive advantage—has become increasingly evident. This study, with both fundamental and applied objectives, examines the issue of economic behavior from the perspective of the Qur'an by employing a descriptive-analytical-interrogative method and content analysis, in order to elucidate the perspective of the revelatory sphere on human behavior in the field of economics. The findings indicate that the Holy Qur'an, while acknowledging the influence of environmental factors in shaping economic behavior, adopts a more comprehensive perspective than conventional economics. It challenges some of its achievements regarding views of human beings, the economy, and the surrounding environment, and while expanding the boundaries of this field of knowledge, emphasizes the active, ethically oriented, and purposeful interaction of the economic human with the environment. The innovation of this study lies in explaining the distinctive Qur'anic view of the economic environment—one which, contrary to behavioral and institutional economics, does not consider human beings as captives of environmental conditions. Rather, it introduces humans as free and environment shaping beings who, relying on faith, ethics, and divine guidance, are capable of transforming their environment. The revelatory discourse emphasizes the influence of the environment on the formation of economic perceptions, the decision making process, economic learning, economic identity, and the culture of consumption and production; however, unlike purely deterministic perspectives in economic theories, it does not regard humans as subdued by the environment. Moreover, it does not limit the factors affecting economic behavior to conventional economic, technological, social, cultural, and political variables; rather, it also considers unseen and metaphysical dimensions as influential components in economic behavior.

Cite this article: Lashkari, Alireza; Davodipoor, Masoud (2026). The Impact of the Environment on Economic Behavior from the Perspective of the Holy Qur'an, *Interdisciplinary Studies in Economics*, 2(1), 28 - 46. <https://doi.org/10.22091/ise.2026.13591.1052>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/ise.2026.13591.1052>

JEL Classification: D91 ·D81 ·Z12 ·P46

اثرگذاری محیط بر رفتار اقتصادی از منظر قرآن کریم

علیرضا لشکری^۱، و مسعود داودی پور^۲

۱. دانشیار گروه اقتصاد، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: alilashkari@rihu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران و پژوهشگر اندیشکده قصد (نویسنده مسئول). رایانامه: mdavoodipoor@rihu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

رفتار اقتصادی مطالعه‌ای نظام‌مند در راستای درک علل رفتارهای اقتصادی انسان، بهبود پیش‌بینی‌ها، هدایت تصمیم‌گیری‌ها و کنترل پیامدهای آن، با هدف پرده‌برداری از واقعیت‌های پنهان در کنش‌های اقتصادی و اصلاح الگوهای رفتاری نامطلوب است. ضرورت درک تأثیر محیط پرتلاطم و پویای اقتصادی بر رفتار اقتصادی، به‌ویژه در عصر ارتباطات، اطلاعات و نوآوری‌های فناورانه، نوسانات شدید اقتصادی و همچنین لزوم واکنش سریع به تغییرات به‌عنوان مزیت رقابتی، بیش از پیش آشکار شده است. این پژوهش با اهداف بنیادی و کاربردی، مسئله رفتار اقتصادی را از منظر قرآن، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی - استنتاجی و تحلیل محتوا، به‌منظور تبیین نگاه سپهر وحیانی به رفتار انسان در عرصه اقتصاد، مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم علاوه بر توجه به تأثیر عوامل محیطی در شکل‌گیری رفتار اقتصادی با نگاهی جامع‌تر از اقتصاد متعارف، دستاوردهای آن را در حوزه نگرش به انسان، اقتصاد و محیط پیرامونی به چالش کشیده و ضمن گسترش مرزهای این دانش، بر تعامل فعالانه، اخلاق‌محور و هدفمند انسان اقتصادی با محیط تأکید دارد. نوآوری این پژوهش در تبیین نگرش متمایز قرآن نسبت به محیط اقتصادی است؛ نگرشی که برخلاف اقتصاد رفتاری و نهادگرا، انسان را اسیر شرایط محیطی نمی‌داند، بلکه او را موجودی مختار و محیط‌ساز معرفی می‌کند که با اتکا به ایمان، اخلاق و هدایت الهی، می‌تواند محیط را دگرگون سازد. بیان وحیانی بر تأثیر محیط بر شکل‌گیری ادراکات اقتصادی، فرآیند تصمیم‌گیری، یادگیری اقتصادی، هویت اقتصادی و فرهنگ مصرف و تولید تأکید می‌ورزد؛ اما برخلاف دیدگاه‌های صرفاً جبری در نظریه‌های اقتصادی، انسان را مقهور محیط نمی‌داند. افزون بر این، عوامل مؤثر بر رفتار اقتصادی را محدود به متغیرهای مرسوم اقتصادی، فناوری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نمی‌داند؛ بلکه ابعاد غیبی و ماورایی را نیز به‌عنوان مؤلفه‌های اثرگذار در رفتار اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم، اقتصاد، اثرگذاری محیط، رفتار اقتصادی.

استناد: لشکری، علیرضا؛ داودی پور، مسعود (۱۴۰۵). اثرگذاری محیط بر رفتار اقتصادی از منظر قرآن کریم. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۲ (۱)، ۴۶-۲۸.

<https://doi.org/10.22091/ise.2026.13591.1052>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه قم.

طبقه‌بندی JEL: D91، D81، Z12، P46

مقدمه

رفتار اقتصادی انسان، عرصه‌ای است که در آن انتخاب‌ها و کنش‌های فردی و جمعی تحت تأثیر عوامل گوناگون شکل می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین این عوامل، «محیط» است؛ محیطی که در قالب ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی معنوی، بر ادراک، تصمیم‌گیری و انگیزش اقتصادی انسان اثر می‌گذارد. از این رو، بررسی نسبت میان محیط و رفتار اقتصادی، به یکی از محورهای مهم در تحلیل‌های اقتصادی معاصر تبدیل شده است.

در ادبیات اقتصاد رفتاری و نظریه‌های نهادگرا، محیط معمولاً به عنوان عاملی بیرونی و گاه تعیین‌کننده رفتار اقتصادی معرفی می‌شود؛ به گونه‌ای که کنش اقتصادی انسان تا حد زیادی تابع شرایط پیرامونی تلقی می‌گردد. با این حال، پرسش اساسی آن است که آیا در جهان بینی قرآنی نیز محیط چنین نقشی دارد؟ به بیان دیگر، قرآن کریم به عنوان منشور هدایت انسان، چه نگاهی به رابطه میان محیط و رفتار اقتصادی ارائه می‌دهد و جایگاه اختیار، مسئولیت و نقش فعال انسان در مواجهه با محیط چگونه تبیین می‌شود؟

اهمیت این پرسش از آن جهت است که قرآن کریم، در کنار تأکید بر واقعیت‌های اجتماعی و اثرگذاری شرایط بیرونی، تصویری متمایز از انسان ارائه می‌کند؛ انسانی که صرفاً محصول محیط نیست، بلکه می‌تواند با ایمان، آگاهی و کنش مسئولانه، به اصلاح و تغییر محیط اقتصادی بپردازد. از این رو، تبیین نگرش قرآن نسبت به نقش محیط در رفتار اقتصادی، می‌تواند افق تازه‌ای در فهم مبانی اقتصاد اسلامی بگشاید و تمایز آن را با رویکردهای متعارف اقتصادی آشکار سازد.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که محیط در نگاه قرآن کریم چگونه بر رفتار اقتصادی انسان اثر می‌گذارد و این اثرگذاری چه تفاوتی با تبیین‌های رایج در نظریه‌های اقتصادی دارد؟

هدف این پژوهش، تبیین نقش محیط در رفتار اقتصادی انسان از منظر قرآن کریم، با تمرکز بر استخراج مبانی، ابعاد و الگوهای قرآنی این رابطه و نشان دادن تمایز بنیادین آن با دیدگاه‌های متعارف است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد استنتاجی، به تحلیل آیات قرآن کریم پرداخته و می‌کوشد اصول راهنمای تعامل انسان اقتصادی با محیط را در چارچوب جهان بینی قرآنی تبیین نماید.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

پیشینه تحقیق

با بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط، رضوی (۱۳۸۱) در پایان‌نامه خود با تمرکز بر «رفتار اقتصادی کارگزاران حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)»، به تبیین سلوک معیشتی مطلوب کارگزاران پرداخته و ضمن واکاوی ویژگی‌های اجتماعی عصر حکومت ایشان، راهبردهای مقابله با گرایش‌های دنیاگرایانه و اشراف‌منشانه را بر اساس سیره علوی بیان کرده است. هادوی‌نیا (۱۳۸۳) با استناد به آیات قرآن، رفتارهای اقتصادی را بر اساس دو رویکرد مادی‌گرایی و فطرت‌گرایی تحلیل کرده و کارکرد این دو نگرش را در بهینه‌سازی تخصیص و توزیع منابع و درآمد مورد ارزیابی قرار داده است. رضاییان و همکاران (۱۳۹۲) نیز با رویکردی سیستمی، مدلی جامع از رفتار انسان از منظر قرآن کریم ارائه کرده‌اند که با بهره‌گیری از روش تحقیق موضوعی، شناسایی کلیدواژه‌ها، استخراج و طبقه‌بندی آیات و تدوین مدل‌های توصیفی رفتاری مبتنی بر مضامین قرآنی صورت گرفته است. در حوزه مقایسه‌ای، قاسمی (۱۳۹۳) با بررسی تطبیقی «سنن الهی» و «قوانین طبیعی» در مکتب فیزیوکراسی، به تحلیل تأثیر این دو بر مبانی رفتار اقتصادی انسان پرداخته و نقش آموزه‌های توحیدی اسلام را در شکل‌دهی رفتار اقتصادی تبیین نموده است. شعبانی و عربلو (۱۳۹۴) با تمرکز بر «مؤلفه‌های کنترلی

حاکم بر انگیزه و رفتار اقتصادی»، دو دسته عوامل بیرونی و درونی را شناسایی کرده و یاد مرگ، ناپایداری نعمت‌های دنیوی، ساده‌زیستی و همنشینی با فقرا را از جمله مؤلفه‌های مؤثر بر کنترل انگیزه‌های مادی برشمرده‌اند. همچنین، پورفرج و همکاران (۱۳۹۴) در قالب مطالعه‌ای آزمایشگاهی به بررسی رابطه دینداری و رفتار اقتصادی پرداخته و از طریق فراتحلیل پژوهش‌های پیشین، تأثیر معنادار دینداری در کنار سایر ویژگی‌های فردی بر رفتار اقتصادی را تأیید کرده‌اند. در نهایت، کریمی (۱۴۰۰) در رساله دکتری خود با تمرکز بر «الگوی فرهنگ‌سازی رفتار اقتصادی مطلوب از دیدگاه قرآن کریم»، به تبیین نقشه‌ای کلان برای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در مکتب اقتصاد اسلامی پرداخته است و الگویی جامع برای فرهنگ‌سازی رفتار اقتصادی ارائه کرده که در آن هم عامل انسانی و هم نهادها و سازمان‌های فرهنگ‌ساز مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جمع‌بندی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که تمامی پژوهش‌های انجام‌شده، عمدتاً بر موضوعاتی مانند رفتار اقتصادی و قرآن تمرکز داشته‌اند و اغلب مطالعات، رفتار اقتصادی را از منظر آیات، روایات و سیره پیامبر اکرم ﷺ مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از این جهت، اشتراکاتی میان آن‌ها و پژوهش حاضر وجود دارد. اما نکته مهم آن است که هیچ‌یک از تحقیقات پیشین، به‌طور خاص به بررسی دیدگاه‌های قرآن کریم درباره تأثیر محیط بر رفتار اقتصادی انسان نپرداخته‌اند.

از این منظر، پژوهش حاضر دارای نوآوری و تمایز نسبت به مطالعات پیشین است؛ چراکه به‌صورت متمرکز و نظام‌مند به تبیین رابطه میان محیط و رفتار اقتصادی از منظر قرآن کریم می‌پردازد؛ موضوعی که پیش از این، مورد توجه مستقلی قرار نگرفته است.

مفهوم‌شناسی

اثرگذاری: اثر، باقی‌مانده از شیء، به معنای نشانه‌ای از شیء تأثیرگذار در شیء تأثیرپذیر است که در واقع به باقی ماندن اثر در شیء «اثر» گویند (معلوف، ۱۳۸۴: ۶). به‌طور کلی، اثر عبارت است از علامت و نشانه‌ای که از چیزی یا از کسی باقی ماند، خواه بنایی باشد یا دینی یا بدعتی یا جای پای یا غیر از این موارد (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲). بنابراین، مراد از اثرگذاری در عنوان پژوهش، تأثیر دادوستدی محیط بر رفتار اقتصادی است.

محیط اقتصادی: درباره محیط اقتصادی، تعاریف و مفاهیم متعددی ارائه شده است. محیط اقتصادی به مجموعه پدیده‌ها و شرایط پیرامونی‌ای اطلاق می‌شود که بر رفتار و تصمیمات کنشگران اقتصادی تأثیر می‌گذارند. این عوامل معمولاً شامل مواردی نظیر سیاست‌های دولتی، شرایط بازار (نظیر عرضه و تقاضا)، رقابت، فناوری‌های نوین، قیمت نهاده‌ها، سطح اشتغال، تورم، نهادهای اقتصادی و فرهنگ مصرف‌هستند (رضاییان، ۱۳۷۶: ۱۵۴). به‌عبارت دیگر، اگر کل نظام هستی یا جامعه اقتصادی در نظر گرفته شود و زیرمجموعه‌ای از آن، یعنی نظام یا واحد اقتصادی، جدا گردد، آنچه باقی می‌ماند محیط اقتصادی خواهد بود (توکلی و همکاران، ۱۴۰۱).

رفتار اقتصادی: رفتار اقتصادی نوعی عمل انسانی است که بر پایه بینش‌ها و نگرش‌ها شکل می‌گیرد و می‌تواند ابعادی عینی، ذهنی یا احساسی داشته باشد. این رفتار معمولاً شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های هدفمند است و عمل، به‌معنای انجام کاری با قصد و آگاهی توسط موجودی دارای شعور تعریف می‌شود. اعمال واقعی و عینی افراد که با اراده و اختیار انجام می‌پذیرند، به‌گونه‌ای سازمان‌دهی می‌شوند که منابع محدود بهینه تخصیص یافته و در فرایند تأمین، توزیع و مصرف، به رفع نیازهای معیشتی فرد و جامعه کمک کنند؛ به‌گونه‌ای که هدف نهایی آن هدایت توسعه و پیشرفت اقتصادی مطلوب است (کریمی، ۱۴۰۰: ۳۸ - ۳۹).

مبانی رفتار اقتصادی از منظر اقتصاد رفتاری

از جمله عوامل تأثیرگذار بر رفتار اقتصادی، محیط اقتصادی و اجتماعی است. این محیط در سطوح مختلف - اعم از سطح فردی، خانوادگی، نهادی و ملی - بر تصمیمات اقتصادی افراد اثر می‌گذارد. امروزه شواهد فراوانی وجود دارد که محیط یکی از متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار در رفتار اقتصادی انسان است. درخصوص اثر محیط بر رفتار اقتصادی، نظریه‌های گوناگونی از سوی اندیشمندان اقتصاد رفتاری، اقتصاد نهادگرا و اقتصاد اجتماعی ارائه شده است (حاجی‌ملادرویش، ۱۳۹۷: ۳۳). بی‌تردید، محیط در شکل‌گیری و جهت‌دهی به رفتار اقتصادی افراد و جوامع نقش مهمی دارد. درواقع، محیط رفتارهای اقتصادی انسان را شکل می‌دهد، الگوهای تصمیم‌گیری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی در ساخت شخصیت اقتصادی، تمایلات مصرفی و روحیه ریسک‌پذیری او نقش دارد (رهبر و همکاران، ۱۳۹۲).

در نظریات اقتصاد رفتاری، انسان اقتصادی دارای قدرت محاسبه محدودی است، به‌شدت از فضای پیرامونی خود - اعم از اجتماع، خانواده، محل کار و سایر اطرافیان - تأثیر می‌گیرد، دارای اقدامات متقابل است، تسلط کمی بر اقدامات خود دارد، بیشتر به آینده نزدیک فکر می‌کند تا بلندمدت، از ضرر فراری است، در دو حالت آرامش و آشوب درونی تصمیم‌های متفاوت می‌گیرد، برایش رضایت مهم‌تر از بیشینه‌سازی است، بر اساس اصول و قوانین کلی تصمیم می‌گیرد و تمایل زیادی برای حفظ شرایط فعلی و بازگشت به حالت اولیه دارد (ریلی^۱، ۲۰۱۷).

نکته مهم در تحلیل اقتصاد رفتاری این است که انسان دارای خویشتن‌داری محدود است؛ به این معنا که افراد قادر به کنترل کامل نفس خود نیستند و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ممکن است تصمیمات متفاوتی اتخاذ کنند. از دیدگاه اقتصاد رفتاری، افراد تمایل دارند با استفاده از میانبرها فرآیند تصمیم‌گیری را تسریع کنند؛ زیرا به‌طور معمول هزینه‌ای برای کسب اطلاعات صرف نمی‌کنند و به جای آن، به اطلاعات موجود و راهنمایی‌های اطرافیان تکیه می‌کنند تا تصمیمات خود را اتخاذ کنند (عسگری و ابراهیمی، ۱۳۹۹).

از دیگر مبانی اقتصاد رفتاری، تمایل بودن افراد به بازگشت به حالت اولیه خود است؛ ترجیح انسان آن است که به رفتارهایی که همیشه انجام می‌داده ادامه دهد، انتخاب‌های خود را تکرار کند و این عملیات را به‌صورت خودکار و بدون در نظر گرفتن قوه عاقله انجام دهد. از این‌رو، برای ایجاد تغییر در تصمیم‌گیری، نیاز به ایجاد انگیزه‌ای قدرتمند در افراد وجود دارد تا بر بازگشت به حالت اولیه آن‌ها غلبه داشته باشد (قویدل، ۱۳۹۸: ۳۱).

اقتصاد رفتاری مبتنی بر نظریات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی معتقد است که بسامد رفتارها و عادت‌های گذشته بر رفتار کنونی اثرگذاری دارد، حتی اگر آگاهانه به این فکر کنند که کار بهتر چیست (رهبر و امیری، ۱۳۹۳). با این نگاه، به خلاف نظریه عمومیت عقلانیت در اقتصاد متعارف، ترجیحات افراد همواره ثابت و سازگار نیستند و در بستر فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و نهادی شکل می‌گیرند که با تغییر این بستر، ترجیحات و تصمیم افراد تغییر می‌کند. اقتصاددانان در این حالت به دنبال چگونگی تأثیر هنجارها بر رفتارهای اقتصادی می‌رود و آن را تحلیل و پیش‌بینی می‌کند (کارترایت، ۱۳۹۶: ۵۱۶).

در این دیدگاه، تصمیمات افراد تحت سیطره اجتماع شکل می‌گیرد و هنجارهای اجتماعی بر روند تصمیم‌گیری‌ها بسیار مؤثر است. به این معنا که انگیزش، عاطفه، احساس، شهود و سایر مؤلفه‌های شناختی که در اقتصاد متعارف در نظر گرفته نمی‌شود، در اقتصاد رفتاری تعیین‌کننده است (کریم‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۵۶). مرزهای عقلانیت در اقتصاد رفتاری با ترکیب بینش‌های علمی چون

روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست و حقوق در پی رسیدن به نگرشی واقعی درباره نحوه تصمیم‌گیری بازیگران اقتصادی است که توضیح‌دهندگی نسبت به تأثیر ساختار محیط بر رفتار و انتخاب افراد دارد (آلتمن^۱، ۲۰۰۶).

هرچند اقتصاد رفتاری با عبور از نگاه خشک و مکانیکی اقتصاد کلاسیک، نقش عوامل روانی، اجتماعی و محیطی را در تصمیم‌گیری اقتصادی برجسته کرده است، اما همچنان در چارچوب انسان‌محوری و عقلانیت محدود باقی می‌ماند. در این رویکرد، محیط بیرونی عامل تعیین‌کننده رفتار تلقی می‌شود و انسان اقتصادی بیشتر موجودی واکنش‌گرا است تا کنش‌گر؛ در حالی که قرآن کریم با نگاه توحیدی خود، ضمن پذیرش تأثیر محیط، محوریت را به اختیار، فطرت و مسئولیت انسان می‌دهد. از نظر قرآن، انسان موجودی است که می‌تواند در پرتو ایمان و تقوا، جهت تأثیر محیط را تغییر دهد و حتی محیط نامطلوب را به محیطی الهی و سازنده بدل کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱).

در اقتصاد رفتاری، تصمیم‌گیری اقتصادی تابع ادراکات حسی و هنجارهای اجتماعی است؛ اما قرآن منشأ ادراک اقتصادی را در «فطرت الهی» و «عقل ایمانی» می‌بیند. بدین معنا که انسان مؤمن در پرتو هدایت وحی، به‌جای تکیه صرف بر منافع شخصی یا فشارهای محیطی، بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و هدف الهی تصمیم می‌گیرد. در نگاه قرآن، محیط تنها زمانی اثر مثبت دارد که با ارزش‌های توحیدی هماهنگ باشد؛ در غیر این صورت، زمینه‌ساز انحراف در ادراک و رفتار اقتصادی خواهد بود؛ همان‌گونه که محیط اشرافی قارون، مردمان را به ستایش ظواهر فریبنده واداشت (قصص/۷۸).

افزون بر این، در اقتصاد رفتاری «یادگیری» و «انگیزش» اقتصادی معمولاً به‌عنوان فرآیندهای رفتاری و تجربی تفسیر می‌شوند که از تعامل با محیط اجتماعی حاصل می‌گردند؛ اما قرآن کریم یادگیری را فرآیندی اخلاقی و تربیتی می‌داند که در محیط‌های پاک و سالم تحقق می‌یابد (اعراف/۵۸). از همین رو، هجرت از محیط‌های ناسالم، حرکتی تربیتی و ایمانی برای اصلاح محیط و نفس است (نساء/۹۷؛ عنکبوت/۵۶).

از منظر انگیزشی نیز، اقتصاد رفتاری بر انگیزه‌های مادی و گاهی بر رضایت آنی تکیه دارد؛ حال آن‌که قرآن، انگیزش اقتصادی را در سطوحی والاتر تعریف می‌کند: از «مادی» و «تلفیقی» تا «الهی» و در نهایت هدف را «قرب الی‌الله» و تحقق عدالت اقتصادی می‌داند (حشر/۹؛ آل عمران/۱۷۱). این تفاوت بنیادین نشان‌دهنده آن است که قرآن، محیط را بستر رشد و تکامل می‌بیند و انسان را مسئول ساخت و تغییر آن می‌داند.

بر این اساس، می‌توان گفت اقتصاد رفتاری، اگرچه گامی مهم در شناخت واقعیت‌های انسانی اقتصاد برداشته است، اما بدون پیوند با مبانی وحیانی از ارائه الگوی کامل ناتوان است. آموزه‌های قرآن با تبیین نسبت دو سویه «انسان و محیط»، راه را برای الگویی باز می‌کند که در آن انسان مختار، از طریق ایمان، اخلاق و عمل صالح، محیط اقتصادی را به فضای شکوفایی، عدالت و معنویت بدل می‌سازد. یافته‌های بخش‌های بعدی این مقاله، که تأثیر محیط را در حوزه‌های ادراک، تصمیم‌گیری، یادگیری، فرهنگ و انگیزش اقتصادی تحلیل می‌کنند، در حقیقت بسط و مصداق‌های عینی همین تمایز بنیادین میان نگرش قرآنی و اقتصاد رفتاری‌اند.

اثرگذاری محیط بر رفتار

یکی از عوامل بنیادین در شکل‌گیری رفتارهای انسانی، محیط پیرامونی است. همان‌گونه که شهید مطهری می‌فرماید: «در این‌که اندیشه انسان تا حدود زیادی تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرد، بحثی نیست» (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۲۷). در نظریه‌های جغرافیایی و

جامعه‌شناختی نیز، محیط طبیعی و فرهنگی عامل مؤثر در پیدایش تمدن‌ها، شکل‌گیری خلق و خو و رفتارهای اقتصادی معرفی شده است. ابن سینا در آغاز کتاب قانون، به تفصیل از تأثیر شرایط اقلیمی و جغرافیایی بر جنبه‌های فکری و عاطفی انسان سخن گفته و منتسکیو در روح‌القوانین، محیط را نیروی تعیین‌کننده روحیه ملت‌ها دانسته است (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۹۵).

هر نظام اقتصادی، افزون بر ارتباط درونی میان عناصر و اجزای خود (مانند خانوارها، بنگاه‌ها، بازارها و نهادهای مالی)، با عناصری خارج از خود که به محیط اقتصادی تعلق دارند نیز در تعامل است (محمدنقی، ۱۳۹۹). درواقع، محیط اقتصادی شامل عواملی است که خارج از کنترل مستقیم نظام اقتصادی یا کنشگران اقتصادی هستند، اما با این حال بر عملکرد، تصمیم‌گیری و رفتار اقتصادی آنان تأثیرگذارند. با توجه به این‌که این محیط بیرونی از چارچوب عملیاتی سیستم اقتصادی خارج است، نظام اقتصادی نمی‌تواند مستقیماً تغییرات آن را کنترل کند یا بر آن سلطه کامل داشته باشد. از این رو، در بسیاری از نظریه‌های اقتصادی، محیط به‌عنوان یک عامل نسبتاً ثابت یا برون‌زا در نظر گرفته می‌شود که باید در تحلیل رفتار اقتصادی مورد توجه قرار گیرد (کریمی، ۱۴۰۰: ۱۴۵).

بر اساس این دیدگاه‌ها، محیط ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع را شکل می‌دهد و الگوهای تصمیم‌گیری، تمایلات مصرفی و روحیه کار و تلاش افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. درواقع، محیط مجموعه‌ای از شرایط بیرونی است که می‌تواند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر ادراک، انگیزش و کنش‌های اقتصادی انسان اثرگذار باشد.

قرآن کریم نیز در آیات متعددی به اثر محیط بر رفتار انسان اشاره کرده و آن را عاملی مهم در هدایت یا انحراف دانسته است. در آیه ۵۶ سوره عنکبوت و آیه ۹۷ سوره نساء، مفهوم «هجرت» به‌عنوان پاسخی ایمانی به محیط‌های ناسالم معرفی می‌شود:

«ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید» (عنکبوت/۵۶) و «آیا زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» (نساء/۹۷).

این دو آیه، مؤمنان را به خروج از محیط‌های شرک‌آلود و رفتن به سرزمین‌هایی که امکان بندگی خدا در آن فراهم است فرا می‌خوانند. چنین هجرتی جلوه‌ای از کنش اقتصادی و اجتماعی آگاهانه است که در آن انسان برای اصلاح محیط و ایجاد فضای سالم معیشتی و عبادی تلاش می‌کند.

در آیه ۱۳۸ سوره اعراف نیز تأثیر محیط ناسالم به‌روشنی ترسیم شده است. قوم بنی‌اسرائیل، با وجود مشاهده معجزات الهی، در مواجهه با محیط بت‌پرستی مصر و کنعان، از موسی (ع) خواستند بت‌هایی برای آنان قرار دهد. قرآن این رفتار را ناشی از «جهالت» و تأثیرپذیری از محیط منحرف می‌داند و به‌صراحت آن را نکوهش می‌کند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که قرآن، تأثیر محیط بر رفتار انسان را امری واقعی و تعیین‌کننده می‌داند، اما در عین حال از انسان می‌خواهد که در برابر آن واکنش فعالانه داشته باشد.

از تحلیل آیات فوق برمی‌آید که قرآن کریم، ضمن پذیرش نقش محیط در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی و اقتصادی، دیدگاهی جبرگرایانه ندارد. انسان در جهان‌بینی قرآنی موجودی مختار و مسئول است که مأمور به تغییر و اصلاح محیط خویش است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱).

بر این اساس، رابطه انسان و محیط دوسویه است؛ محیط می‌تواند انسان ساز باشد و انسان نیز می‌تواند محیط را دگرگون سازد. آنچه جهت این تأثیر را تعیین می‌کند، ایمان، تقوا و آگاهی است. از نگاه قرآن، اگر محیط اقتصادی با ارزش‌های الهی سازگار باشد، رشد و عدالت در آن شکوفا می‌شود؛ اما اگر محیط آلوده به ظلم، اسراف یا بی‌عدالتی گردد، انحراف در رفتار اقتصادی نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

بنابراین، قرآن ضمن پذیرش تأثیر شرایط بیرونی، مسئولیت انسان را در ایجاد و حفظ محیط سالم برجسته می‌کند. انسان مؤمن سازنده محیط خویش است. بر این اساس، در ادامه، ابعاد گوناگون اثر محیط در حوزه‌های خاص رفتار اقتصادی از منظر قرآن کریم تحلیل می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع نظری - کاربردی است و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. با توجه به قابلیت استفاده از نتایج به دست آمده در نهادها و سازمان‌های سیاست‌گذاری، این تحقیق در زمره مطالعات کاربردی قرار می‌گیرد. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع اسنادی، شامل قرآن کریم و تفاسیر مرتبط از جمله «الکشاف» زمخشری، «المیزان فی تفسیر القرآن» علامه طباطبایی، «تفسیر نور» قرائتی، «تفسیر نمونه» مکارم شیرازی و تفسیر «قرآن مهر» رضایی اصفهانی گردآوری شده و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد قرآن کریم اثرگذاری محیط را در پنج حوزه بنیادین رفتار اقتصادی به رسمیت می‌شناسد: ادراک، تصمیم‌گیری، یادگیری، فرهنگ و انگیزش اقتصادی. با این حال، نگرش قرآن نسبت به محیط و انسان با دیدگاه‌های متعارف اقتصادی تفاوتی اساسی دارد. قرآن، انسان را موجودی مختار و مسئول می‌داند که قادر است با اصلاح خود و جامعه، محیط را نیز دگرگون سازد. در ادامه، نقش محیط در هر یک از حوزه‌های پنج‌گانه، همراه با تحلیل قرآنی، تمایز با سایر دیدگاه‌ها و دلالت‌های سیاستی برای نظام اقتصادی جامعه اسلامی بررسی می‌شود.

اثر محیط بر اعتقادات (به عنوان زیربنای رفتار اقتصادی)

برخلاف دیدگاه‌های جبرگرایانه در اقتصاد رفتاری و جامعه‌شناسی اقتصادی که محیط را عامل تعیین‌کننده رفتار می‌دانند (واعظی، ۱۴۰۰)، قرآن ضمن تأیید تأثیر محیط، بر مسئولیت فرد در تغییر محیط تأکید می‌کند. از نظر قرآن، هجرت کنشی آگاهانه برای دگرگونی محیط و تحقق ارزش‌های الهی است.

آیه ۵۶ سوره عنکبوت می‌فرماید: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! یقیناً زمین من وسیع و پهناور است؛ پس با انتخاب سرزمینی مناسب و شایسته که ارزش‌ها در آن حفظ شود، فقط مرا پیروستید.» بسیاری از مفسران بر این باورند که این آیه در مورد مؤمنانی نازل شده است که در مکه تحت فشار شدید مشرکان قرار داشتند، به گونه‌ای که قادر به انجام وظایف اسلامی خود نبودند. بر این اساس، به آنان فرمان داده شد تا از آن سرزمین هجرت کنند (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۳۲۶).

مفهوم کلی آیه چنین است که زمین خداوند گسترده و فراخ است؛ بنابراین اگر پرستش او در بخشی از آن برای شما ممکن نباشد، در نقاط دیگر آن مکان‌هایی برای عبادت وجود دارد. از این رو، باید تنها خداوند را پرستش کرده و از پرستش غیر او بپرهیزید. در نتیجه، اگر در سرزمینی قادر به عبادت او نبودید، به سرزمین‌های دیگر هجرت کنید تا بتوانید در آنجا به پرستش خالصانه او بپردازید (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۱۴۴). مفاد آیه بیان می‌کند که هرگاه مؤمنی در شهری نتواند به آسانی به بندگی خدا پرداخته و امور دینی خود را آن گونه که شایسته می‌داند انجام دهد، لازم است از آن مکان هجرت کرده و به سرزمینی برود که شرایط لازم برای انجام این امور در آن فراهم باشد (زمخشری و همکاران، ۱۴۰۷: ۶۹).

آیه ۹۷ سوره نساء چنین بیان می‌کند: «قطعاً کسانی که با ترک هجرت از دیار کفر و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان بر خویش ستم کردند، هنگامی که فرشتگان آنان را قبض روح می‌کنند، به آنان می‌گویند: از نظر دینداری و زندگی در چه حالی بودید؟ می‌گویند: ما در زمین مستضعف بودیم. فرشتگان می‌گویند: آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن از محیط شرک به دیار ایمان مهاجرت کنید؟! پس جایگاهشان دوزخ است و آن بد بازگشت‌گاهی است.» این آیه به کسانی اشاره دارد که توانایی هجرت داشته‌اند، اما از آن امتناع ورزیده و در دیار کفر باقی مانده‌اند؛ در نتیجه نه در پیشبرد توحید نقش داشته‌اند و نه زندگی موحدانه‌ای را تجربه کرده‌اند. این افراد در برزخ توسط فرشتگان مورد بازخواست قرار گرفته و توجیهاتشان پذیرفته نمی‌شود.

علامه طباطبایی بیان می‌کنند که ملائکه در سخنان خود واژه «ارض» را همراه با «الله» ذکر کرده و زمین را به خداوند نسبت داده‌اند؛ پرسیده‌اند: «آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود؟» این بیان حاکی از نکته‌ای مهم است که نشان می‌دهد خداوند سبحان پیش از دعوت بندگان به ایمان و عمل صالح، زمین خود را وسیع و فراخ قرار داده است تا اگر شرایط محیطی فرد مانع از ایمان‌آوری او شود، امکان مهاجرت به مکان دیگری برایش فراهم باشد (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۵۳).

بر این اساس، قرآن کریم با تأکید بر نقش محیط در حفظ یا تضعیف ایمان، هجرت را به‌عنوان راهبردی برای صیانت از باورهای دینی معرفی می‌کند. از آنجا که ایمان در منطق قرآن زیربنای رفتارهای فردی و اجتماعی است، استمرار حضور در محیط‌هایی که ایمان را تضعیف می‌کنند، به‌تدریج پیامدهای منفی خود را در سایر عرصه‌ها، از جمله حیات اقتصادی جامعه اسلامی، آشکار می‌سازد. از این منظر، هجرت پیش از آنکه ناظر به جابه‌جایی اقتصادی یا جغرافیایی باشد، ناظر به عبور آگاهانه از محیط‌های اعتقادی ناسالم و حرکت به‌سوی فضاهایی است که امکان حفظ و تقویت ایمان در آن‌ها فراهم باشد. بدیهی است که تقویت ایمان در سطح فردی و جمعی، زمینه‌ساز اصلاح رفتارهای اقتصادی، ارتقای عدالت و بهره‌مندی جامعه از برکات الهی در دنیا و آخرت خواهد بود. از این رو، توجه به نقش محیط در حوزه اعتقادات، مقدمه‌ای اساسی برای فهم و اصلاح سایر ابعاد حیات اجتماعی و اقتصادی در جامعه اسلامی به شمار می‌آید.

اث‌رگذاری محیط بر ادراک اقتصادی

در حالی که نظریه‌های اقتصاد رفتاری منشأ ادراک اقتصادی را در تجربه‌های حسی و شرطی‌شدن‌های محیطی می‌دانند (پورفرج، ۱۴۰۳)، قرآن منشأ اصلی ادراک را در فطرت توحیدی و هدایت وحیانی می‌بیند؛ از این رو، نقش محیط در قرآن جهت‌دار و ارزشی است، نه خنثی و تجربی. به حکم آیات زیر، محیط در ادراکات اقتصادی انسان نقش‌آفرینی غیرقابل انکاری دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

تقلید اقتصادی نادرست از آموزه‌های باطل: یکی از دلایل نقش محیط بر ادراکات اقتصادی، تقلید اقتصادی نادرست از نیاکان توسط گروه‌های زیادی از مردم است که در برابر دعوت به اصلاح نظام اقتصادی و پذیرش روش‌های نوین مقاومت می‌کنند. قرآن کریم در آیه ۱۰۴ سوره مائده این واقعیت تلخ را چنین تبیین کرده است: «و هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آید، گویند: روش و آیینی که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است. آیا هرچند پدرانمان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته باشند باز هم این تقلید جاهلانه و ناروا را بر خود می‌پسندند؟!»

از موضوعاتی که در دوران جاهلیت به‌شدت رایج بود و در آیات مختلف قرآن منعکس شده، مسئله افتخار بی‌چون‌وچرا به افکار، عادات و رسوم نیاکان و احترام بی‌قید و شرط به الگوهای رفتاری آنان بود که تا حد تقریباً تقدیس آنان پیش می‌رفت. این موضوع به آن دوران محدود نمی‌شود و امروزه نیز در میان بسیاری از ملل و فرهنگ‌ها مشاهده می‌شود (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۱۰۶).

هرچند سیاق اصلی آیه در دعوت به توحید و پذیرش وحی است، اما پیام رفتاری آن کلی و فراگیر است. قرآن در این آیه، تقلید کورکورانه از محیط فکری و فرهنگی نیاکان را نکوهش می‌کند؛ رفتاری که در همه عرصه‌ها، از جمله در حوزه اندیشه و عمل اقتصادی نیز مصداق دارد.

درواقع، اصل مورد تأکید آیه، هشدار نسبت به تأثیر محیط‌های فکری و اجتماعی بر ادراک انسان است؛ زیرا همان‌گونه که پذیرش یا انکار توحید می‌تواند از تقلید بی‌تفکر از گذشتگان ناشی شود، مقاومت در برابر اصلاح نظام‌های اقتصادی ناعادلانه و اصرار بر روش‌های ناسالم نیز از همین روحیه تبعیت محیطی سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین، همان‌گونه که تقلید کورکورانه در عقاید محکوم است، در حوزه‌های دیگر از جمله اقتصاد نیز مصداق دارد. قرآن با اشاره به مبارزه پیامبرانی مانند شعیب که در کنار دعوت به توحید و نفی شرک و فساد اقتصادی، بر لزوم اصلاح روش‌های ناسالم تأکید می‌کند (رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران قرآنی، ۱۳۸۷: ۲۸۶).

در شرایط کنونی نیز نگرشی تقدس‌گرایانه نسبت به آموزه‌های متعارف اقتصادی که در محیط دانشگاه‌ها آموزش داده می‌شود، وجود دارد که می‌توان آن را نمونه‌ای عینی از تصویری دانست که قرآن کریم ارائه کرده است. آیات ۲۸ سوره اعراف، ۷۸ سوره یونس، ۵۳ سوره انبیاء، ۷۴ سوره شعراء، ۲۱ سوره لقمان و ۲۲-۲۳ سوره زخرف، مفهومی مشابه آیه ۱۰۴ سوره مائده را مطرح می‌کنند. بر اساس این آیات، تقلید نادرست، ناشی از درک نادرست است و مردم جاهلی به دلیل تأثیرپذیری از محیط و نیاکان خود گرفتار تقلید کورکورانه شده‌اند.

غفلت‌آور بودن محیط‌های طبقاتی مرفه: قرآن، محیط‌های اشرافی را از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری ادراک اقتصادی انسان می‌داند و به شدت نسبت به قرار گرفتن در چنین فضاهایی هشدار می‌دهد. نمونه بارز این موضوع، نمایش ثروت قارون است که گروهی از مردم را تحت تأثیر قرار داده و باعث آرزوی داشتن جایگاه و دارایی‌های او شده است. قرآن در آیه ۷۸ سوره قصص می‌فرماید: «قارون در میان آرایش و زینت خود بر قومش درآمد؛ آنان که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش مانند آنچه به قارون داده‌اند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره‌بزرگی است.»

برخی منابع ذکر کرده‌اند که قارون همراه با چهار هزار نفر از بنی‌اسرائیل با اسب‌های گران‌قیمت و پوشش‌های سرخ‌رنگ به رژه رفت؛ کنیزان سفیدرو بر زین‌های طلایی بر استرهای سفید سوار بودند و همه در زینت‌آلات طلایی غرق بودند. برخی نیز تعداد همراهان او را هفتاد هزار نفر ذکر کرده‌اند. این رخداد موجب شد مردم به دو گروه تقسیم شوند؛ اکثریت دلبسته دنیا با دیدن این صحنه‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و آرزو کردند ای کاش به‌جای قارون بودند تا لحظاتی از زندگی پرشکوه او را تجربه کنند. قرآن تأکید می‌کند که کسانی که طالب زندگی دنیا هستند، چنین آرزوهایی دارند (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۱۶۳).

فطرت و سرشت انسانی: قرآن کریم منشأ اصلی ادراک صحیح را فطرت الهی و هدایت ربانی معرفی می‌کند. قرآن با اشاره به «فطرت‌الله» به‌عنوان سرشت اولیه انسان (روم/ ۳۰) و تأکید بر نقش هدایت الهی در تشخیص حق از باطل «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/ ۲)، نشان می‌دهد که ادراک انسان، هرچند در بستر محیط شکل می‌گیرد، اما جهت و صحت آن وابسته به فطرت و هدایت الهی است، نه صرفاً تأثیرات بیرونی.

بر مبنای این دیدگاه، تقلید بی‌چون‌وچرا از نظام‌های اقتصادی گذشتگان، پیامد ادراکی تحریف‌شده‌ای است که از بستر فرهنگی ناصواب ناشی می‌شود. از این‌رو، سیاست‌گذار اقتصادی به‌جای بازتولید الگوهای متعارف غربی، باید به طراحی نظام آموزشی و رسانه‌ای معطوف شود که اندیشه مستقل و تحلیل مبتنی بر آموزه‌های قرآنی را در عرصه اقتصاد پرورش دهد. همچنین، مقابله با پدیده‌هایی

چون اشرافیت، تجمّل‌گرایی و تبلیغات مصرف‌محور، از مسیر تنظیم‌گری رسانه‌ای و الگو سازی از سیره اقتصادی پیامبران و اولیای الهی ضروری است.

در جامعه امروز، گسترش تبلیغات مصرف‌محور و تقلید از الگوهای اقتصادی غربی نمونه‌ای از اثر منفی محیط بر ادراک اقتصادی است. در مقابل، حمایت از طرح‌هایی مانند «اقتصاد مقاومتی» و «مصرف متعادل قرآنی» نمونه‌ای از تلاش برای اصلاح محیط فرهنگی ادراکات اقتصادی در پرتو آموزه‌های وحیانی است.

اثرگذاری محیط بر تصمیم‌گیری اقتصادی

تصمیم‌گیری به معنای انتخاب یک مسیر از میان گزینه‌های متعدد است و در حوزه علوم اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به‌طوری‌که گفته شده است: «اقتصاد در اصل به تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع محدود می‌پردازد» (توکلی و رفیعی پیشوری، ۱۳۹۹).

در اقتصاد متعارف، تصمیم‌گیری اقتصادی تابع حداکثرسازی سود یا مطلوبیت است (مخلپ^۱، ۱۹۷۸: ۲۶۹)، اما قرآن کریم تصمیم‌گیری را کنشی آگاهانه و متناسب با شرایط محیطی معرفی می‌کند و بر تدبیر، سنجش پیامدها و توجه به ظرفیت‌های واقعی جامعه تأکید دارد. یکی از اصول حاکم بر تصمیم‌گیری در منطق قرآن، اصل «تدرّج در تغییر» است؛ اصلی که به‌ویژه در مواجهه با محیط‌های ناسالم یا ناآماده برای پذیرش تغییرات بنیادین اهمیت می‌یابد. این اصل قرآنی در آیات متعددی قابل استخراج است. در ادامه به دو مورد از دیدگاه قرآن کریم مرتبط با این موضوع اشاره می‌شود:

مورد اول: هنگامی که شرایط محیط اقتصادی امکان اتخاذ تصمیمی فوری و فراگیر را فراهم نمی‌کند، فرد یا نهاد اقتصادی ناگزیر به اتخاذ تصمیم‌های تدریجی است تا به تدریج زمینه اجرای گسترده‌تر آن تصمیم اقتصادی فراهم شود. این روند مشابه آن چیزی است که رسول خدا (ص) در دعوت مردم مکه به کار برد. با وجود این که دین اسلام همواره دینی جهانی و فراگیر بوده است (سبأ/۳۸)، به دلیل نبود آمادگی فکری، فرهنگی و اجتماعی در محیط مکه، به فرمان الهی «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء/۲۱۴)، ابتدا تنها خویشاوندان نزدیک خود را انداز کرد و از شرک و مخالفت با فرمان خدا بر حذر داشت. ایشان دعوت خود را برای سه سال محدود به نزدیکان کرد تا زمینه فراگیر شدن آن فراهم گردد؛ اما به محض آماده شدن شرایط محیطی، فرمان «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ» (حج/۲۷) صادر شد که پیامبر را مأمور می‌کرد دعوت خود را به صورت علنی و برای همگان اعلام کند. در نتیجه، حضرت تصمیم به دعوت عمومی گرفت و اسلام را به عنوان دین جهانی معرفی نمود.

مورد دوم: پیامبر اکرم (ص) در مکه به دلیل محدودیت‌های محیطی، از یک سو اجازه تسلیم در برابر کافران را نداشت («فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ»؛ فرقان/۵۲) و از سوی دیگر نمی‌توانست در برابر ظلم سکوت کند، بلکه موظف بود به‌طور خستگی‌ناپذیر جهاد فرهنگی انجام دهد («وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»؛ فرقان/۵۲). با وجود آزار و اذیت‌های کافران و مشرکان، ایشان هرگز تصمیم به استفاده از قدرت سخت نگرفت و تنها به قدرت نرم اکتفا کرد. پس از تغییر شرایط محیطی در مدینه، برای مقابله با دشمن، علاوه بر قدرت نرم از قدرت سخت نیز بهره‌مند شد و فرمان الهی نازل گردید که «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره/۱۹۳).

بر این اساس، سیره پیامبر (ص) در دعوت تدریجی، صرفاً یک رفتار تاریخی نیست، بلکه تجلّی عملی اصل قرآنی «تدرّج در اصلاح» است. سازوکار علی این اصل بدین صورت است که محیط اجتماعی ناآماده، در صورت مواجهه با تصمیم‌های دفعی و

پرهزینه، واکنش منفی نشان داده و مانع تحقق اهداف اصلاحی می‌شود؛ در حالی که تصمیم‌گیری تدریجی، با کاهش مقاومت محیط، امکان تثبیت تغییرات را فراهم می‌سازد.

این منطق علی در عرصه اقتصاد نیز قابل تعمیم است. تصمیم‌گیری‌های اقتصادی که بدون توجه به ظرفیت‌های محیط اجتماعی، فرهنگی و نهادی اتخاذ می‌شوند، با شکست یا هزینه‌های سنگین مواجه خواهند شد. در مقابل، تصمیم‌گیری اقتصادی مبتنی بر اصل قرآنی تدرّج، با انطباق مرحله‌ای سیاست‌ها با شرایط محیط، زمینه تحقق پایدار اصلاحات اقتصادی را فراهم می‌کند. برای نمونه، تصمیم‌های تدریجی در حذف ربا یا سود بانکی در برخی مؤسسات قرض‌الحسنه را می‌توان تجلی اصل قرآنی «اصلاح تدریجی در محیط‌های نامطلوب» دانست. همچنین، مهاجرت سرمایه‌گذاران مؤمن از فعالیت‌های غیرشفاف به عرصه تولید سالم مصداق از «هجرت اقتصادی» است که آیه ۹۷ سوره نساء بر ضرورت آن تأکید دارد. افزون بر این، تصمیم پیامبر اکرم (ص) در مدینه برای ایجاد بازار اسلامی نمونه‌ای تاریخی از «تصمیم محیط‌ساز» به‌شمار می‌آید که در دوران معاصر می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌هایی چون تشکیل بازارهای حلال و نظام‌های اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی باشد.

اثرگذاری محیط بر یادگیری و تربیت اقتصادی

در نظریه‌های یادگیری اجتماعی، محیط صرفاً منبع تجربه و شرطی‌سازی رفتاری است (کریمی و حسینیان، ۱۳۹۴)، اما در نگرش قرآنی، محیط باید تربیت‌گر ایمان و اخلاق باشد تا یادگیری اقتصادی به رشد انسان منجر شود، نه صرفاً افزایش مهارت. داستان حضور موسی در مدین، نمونه‌ای از پیوند یادگیری اقتصادی با تزکیه اخلاقی در محیط سالم است.

قرآن کریم به هر دو شیوه یادگیری «نظری» و «عملی» اهمیت ویژه‌ای قائل شده و مسلمانان را به این نوع یادگیری‌ها سفارش کرده است. با این رویکرد می‌توان گفت طبق آیه ۲۷ سوره قصص، فلسفه مأموریت حضرت موسی (ع) در خدمتگزاری به حضرت شعیب، ناشی از نقش مهم محیط اقتصادی و اجتماعی زندگی شعیب نبی در یادگیری اقتصادی و تجربیات عملی حضرت موسی بوده است. از این رو، نتیجه تجربه محیط زندگی حضرت شعیب این شد که پس از پایان مأموریت و هنگام بازگشت، حضرت موسی به عنوان پیامبر مورد خطاب خداوند قرار گرفت (قصص / ۳۰).

به سبب همین نقش محیط در یادگیری، حضور موسی در محیط «مدین» برای آن حضرت ضروری شمرده شده است. در حقیقت ضرورت داشت که موسی (ع) دوران ده ساله‌ای را در غربت و در کنار یک پیامبر بزرگ بگذراند و در محیطی متأثر از زندگی ساده کشاورزی و دامداری قرار گیرد تا اگر خوی کاخ‌نشینی و رفاه‌طلبی بر فکر و جان او اثر گذاشته است، به کلی زدوده شود. موسی باید در کنار طبقات زحمتکش و کوخ‌نشینان باشد، از مشکلات اقتصادی و معیشتی آن‌ها آگاه گردد و برای مبارزه با نظام‌های اقتصادی ستمگر و استبدادی آماده شود. از سوی دیگر، موسی باید زمانی طولانی برای تفکر در اسرار آفرینش اقتصاد و خودسازی در اختیار داشته باشد؛ کجا بهتر از بیابان مدین و خانه شعیب بود؟ مأموریت یک «پیامبر اولوالعزم» ساده نیست که به آسانی بتوان عهده‌دار آن شد؛ بلکه می‌توان گفت مأموریت موسی (ع) بعد از پیامبر اسلام از این نظر سنگین‌تر بود. مبارزه با بزرگ‌ترین جباران اقتصادی زمان، رهایی قوم بزرگ از اسارت و زدودن آثار فرهنگ اسارت از روح آنان، کاری آسان نیست (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۷۳).

نکته قابل توجه در این زمینه، اهمیت انتخاب محیط مناسب برای یادگیری اقتصادی است؛ زیرا از دیدگاه قرآن، محیط به دو دسته سالم و ناسالم تقسیم می‌شود. قرآن محیط سالم را با عنوان «بَلَدٌ طَیِّبٌ» (سرزمین پاک) و محیط ناسالم را با عبارت «بَلَدٌ خَبِیْثٌ» (سرزمین ناپاک و شوره‌زار) توصیف می‌کند (اعراف/ ۵۸)، که خروجی محیط اول مثبت و سازنده و خروجی محیط دوم مضر و زیان‌آور است.

برای دستیابی به یادگیری اقتصادی مؤثر، قرآن کریم بر نقش تعیین‌کننده محیط سالم تأکید دارد. از منظر قرآن، یکی از حکمت‌های دعوت به هجرت از محیط‌های غیرتوحیدی به محیط‌های توحیدی، فراهم سازی زمینه‌ای است که در آن ایمان، معرفت و رفتار صحیح امکان رشد و تثبیت پیدا کند. آیات هجرت (مانند عنکبوت/۵۶ و نساء/۹۷) نشان می‌دهد که باقی ماندن در محیط‌های ناسالم، مانع تحقق کارکردهای هدایتی و تربیتی دین می‌شود و انسان را از دستیابی به رشد مطلوب باز می‌دارد.

در منطق قرآن، یادگیری صرفاً به معنای انباشت تجربه یا آگاهی‌های تجربی نیست، بلکه فرآیندی تربیتی و ایمانی است که در پرتو هدایت الهی شکل می‌گیرد. قرآن کریم با تأکید بر تعلیم الهی و تزکیه، یادگیری را امری می‌داند که با پرورش اخلاقی و ایمانی همراه است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه/۲).

در مقابل، قرآن هشدار می‌دهد که محیط‌های آلوده و ناسالم می‌توانند مانع درک صحیح و رشد معرفتی انسان شوند؛ چنان‌که پیروی از فضای غالب اجتماعی فاقد هدایت الهی، به گمراهی در فهم و تشخیص می‌انجامد: «وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (انعام/۱۱۶).

بر پایه این نگرش قرآنی، دلالت‌های سیاستی در دو محور قابل تبیین است: نخست، ضرورت تربیت اقتصادی در نهادهای آموزشی اخلاق‌محور، به گونه‌ای که آموزش دانش اقتصادی با پرورش ایمان، تقوا و مسئولیت‌پذیری اجتماعی همراه شود. دوم، ایجاد محیط‌های سالم یادگیری اقتصادی از طریق حمایت از مراکز و نهادهایی که فعالیت‌های اقتصادی همچون کارآفرینی، تعاون و تولید را در پیوند با ارزش‌های معنوی و عدالت‌محور دنبال می‌کنند.

نمونه‌های کاربردی متعددی قابل ذکر است؛ از جمله مدارس و دانشگاه‌های اسلامی با رویکرد کارآفرینی اخلاقی — مانند برخی مراکز علمی در مالزی که آموزش‌های اقتصادی را در پیوند با تربیت ایمانی و اخلاقی ارائه می‌دهند (سلیم^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین، طرح‌های تربیت اقتصادی خانواده‌ها در مساجد و مراکز فرهنگی با هدف آموزش رفتار اقتصادی متعادل، از جمله مصرف حلال، پس‌انداز هدفمند و قرض‌الحسنه، نمونه‌ای از تربیت محیط‌محور اقتصادی است.

اثرگذاری محیط بر فرهنگ اقتصادی

محیط نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگ اقتصادی دارد. فرهنگ اقتصادی مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، آداب و ارزش‌های حاکم بر رفتارهای اقتصادی جامعه و نهادها تعریف می‌شود (کریمی، ۱۴۰۰: ۷۹). عملکرد اقتصادی در محیط‌های مبتنی بر ارزش‌های قرآنی مثبت و در محیط‌های فاقد این ارزش‌ها منفی خواهد بود؛ بنابراین، مسئولان اقتصادی و سیاست‌گذاران موظف‌اند در جهت ارزشی‌سازی محیط‌های اقتصادی تلاش کنند تا از عملکرد بهتر و مؤثرتر در عرصه اقتصاد بهره‌مند شوند.

در حالی که فرهنگ اقتصادی مدرن بر رقابت و سود فردی تأکید دارد (سورنسی، ۱۳۸۶: ۷۳)، قرآن کریم مفاهیمی چون «ایثار» و «امانت» را به عنوان مؤلفه‌های اساسی فرهنگ اقتصادی مؤمنانه معرفی می‌کند. هرچند این مفاهیم در نگاه نخست ماهیتی ارزشی و اخلاقی دارند، اما در منطق قرآن، این ارزش‌ها واجد کارکردهای اقتصادی مشخص و قابل تحلیل هستند که در این مقاله به چند نمونه از این شاخصه‌ها اشاره می‌شود:

ایثار، که در قرآن به عنوان ترجیح منافع دیگران بر منافع شخصی معرفی شده است. قرآن در این باره می‌فرماید: «و [برای] کسانی [از انصار است] که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان [یعنی مدینه] جای گرفتند، و کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند

دوست دارند، و در سینه‌های خود نیاز و چشم‌داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است نمی‌یابند، و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی [به مال و متاع] باشد. و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، اینان همان رستگارانند» (حشر/۹).

ابن عباس در شأن نزول این آیه نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) پس از پیروزی بر یهود بنی‌نضیر، از انصار پرسید: «آیا مایلید اموال و خانه‌های خود را با مهاجران تقسیم کنید و در غنائم با آنان شریک شوید، یا می‌خواهید اموال و خانه‌هایتان برای خودتان باقی بماند و از غنائم چیزی به شما نرسد؟» انصار پاسخ دادند: «ما اموال و خانه‌هایمان را با آنان تقسیم می‌کنیم و حتی چشم‌داشتی به غنائم نداریم و مهاجران را بر خود مقدم می‌داریم.» در پی این پاسخ، آیه مذکور نازل شد و این روحیه والای انصار را ستود (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴: ۵۱۸).

ایثار در سطح اقتصادی به شکل کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و تقویت همکاری بلندمدت ظهور می‌یابد. در محیطی که ایثار به‌عنوان یک هنجار فرهنگی پذیرفته شده است، کنشگران اقتصادی تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های جمعی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و تحمل ریسک‌های متقابل نشان می‌دهند. این امر، به صورت غیرمستقیم، هزینه‌های مبادله ناشی از بی‌اعتمادی را کاهش داده و امکان انعقاد قراردادهای ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر را فراهم می‌سازد.

التزام به وحدت و انسجام اقتصادی موجب استحکام ساختارهای اقتصادی، دقت در اجرای سیاست‌ها، سلامت رفتارهای اقتصادی، ارتقای جایگاه اقتصادی جامعه، مقاومت در برابر مشکلات و بحران‌های مالی و افزایش بهره‌وری می‌شود. از این رو، قرآن به پیروان خود فرمان می‌دهد که: «و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام)] چنگ زنید و پراکنده و گروه گروه نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد؛ خدا این‌گونه نشانه‌های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید» (آل عمران/۱۰۳).

یکی از شاخصه‌های کلیدی فرهنگ اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، سپردن مسئولیت‌ها به افراد امین است که اهمیت ویژه‌ای دارد. قرآن در این باره می‌فرماید: «خدا قاطعانه به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید» (نساء/۵۸). اهمیت این موضوع به حدی است که گاهی افراد امین باید خود را معرفی کنند تا از واگذاری مسئولیت‌ها به ناهالان و افراد غیرامین جلوگیری شود؛ چنان‌که حضرت یوسف (ع) خود را به‌عنوان سرپرست خزانه‌های مصر معرفی کرد و گفت: «مرا سرپرست خزانه‌های این سرزمین قرار ده؛ زیرا من نگهبانی دانا هستم» (یوسف/۵۵). جایگاه افراد امین در رأس امور اقتصادی موجب ایجاد اعتماد، فرصت، امید و تحول در میان فعالان اقتصادی و جامعه می‌شود؛ همانند رویداد تاریخی‌ای که با تصدی حضرت یوسف در خزانه‌داری مصر به وقوع پیوست و الگویی ماندگار گردید.

امانت‌داری نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اعتماد نهادی دارد. در محیط‌های اقتصادی که امانت‌داری به‌عنوان یک هنجار دینی و فرهنگی نهادینه شده است، احتمال نقض قرارداد، کتمان اطلاعات و سوءاستفاده از موقعیت اقتصادی کاهش می‌یابد. پیامد مستقیم این وضعیت، افزایش امنیت سرمایه‌گذاری، کاهش نیاز به نظارت‌های پرهزینه و افزایش کارایی نظام قراردادها است.

فرهنگ قرآنی بر پایه تعاون، ایثار و همگرایی اجتماعی استوار است و با رویکرد رقابت‌محور و سود فردی تفاوتی بنیادین دارد. بر اساس این مبنا، دلالت‌های سیاستی متعددی قابل استخراج است: نخست، ترویج الگوی اقتصاد تعاونی اسلامی از طریق تشویق به فعالیت‌های اقتصادی تعاونی قرآنی مبتنی بر اعتماد، امانت و مشارکت جمعی. دوم، اصلاح فرهنگ سازمانی نهادهای اقتصادی با

تدوین «منشور اخلاق اقتصادی» برگرفته از آیات مرتبط با امانت‌داری و ایثار، به‌ویژه برای کارگزاران اقتصادی. سوم، تقویت سیاست‌های همگرایی اقتصادی میان اقشار جامعه با الهام از آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران/۱۰۳) از طریق اجرای برنامه‌های عدالت توزیعی و انسجام اقتصادی در سطح ملی. چهارم، ایجاد نظام گزینش مدیران بر پایه امانت و کاردانی بر اساس الگوی حضرت یوسف (ع) که فرمود: «إِنِّي حَفِیْظٌ عَلَیْهِمْ» (یوسف/۵۵)؛ بدین معنا که معیار انتخاب مدیران اقتصادی در جامعه اسلامی باید شایستگی حرفه‌ای همراه با امانت‌داری باشد.

نمونه‌های کاربردی این اثرگذاری شامل تعاونی‌ها و بنیادهای اقتصادی مردمی است که بر اساس اعتماد، ایثار و عدالت فعالیت می‌کنند، مانند برخی مؤسسات قرض‌الحسنه یا تعاونی‌های روستایی. همچنین، فرهنگ امانت‌داری در معاملات، به‌ویژه در نهادهایی که شفافیت و اخلاق اسلامی را رعایت می‌کنند، نمونه‌ای ملموس از افزایش اعتماد عمومی به ساختارهای اقتصادی است. افزون بر این، جنبش‌های مردمی ضد اسراف یا طرح‌هایی همچون «نهیضت احسان و انفاق» مصداقی از فرهنگ اقتصادی قرآنی به شمار می‌آیند که محیط اجتماعی را به سمت ارزش‌های معنوی و عدالت‌محور هدایت می‌کنند.

اثرگذاری محیط بر انگیزش اقتصادی

انگیزش و هدف دو عامل اساسی در شکل‌دهی رفتار اقتصادی انسان‌ها هستند؛ انگیزش به‌عنوان نیروی محرکه‌ای عمل می‌کند که جامعه و فعالان اقتصادی را به سوی تحقق اهداف اقتصادی خود هدایت می‌کند (هادوی تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۲). انگیزش به‌معنای گرایش و تمایل به تلاش و کوشش در جهت تحقق اهداف اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که این تلاش‌ها به‌منظور رفع نیازهای فردی و اجتماعی هدایت می‌شوند (هادوی نیا، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۶).

انگیزش اقتصادی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها محیط است. به‌عنوان نمونه، برخی از فعالان اقتصادی با قرار گرفتن در محیطی مطلوب و فرصت‌محور، انگیزه و اشتیاق بیشتری برای فعالیت و مشارکت در بازار نشان می‌دهند (ندائی، ۱۴۰۱). به گفته برخی صاحب‌نظران، محیط انگیزشی به محیطی اطلاق می‌شود که در آن افراد به روحیه «خویش‌نظمی» دست یافته باشند، به‌طوری‌که فعالیت اقتصادی را به‌عنوان مسئولیت و کار شخصی خود تلقی کنند (رجایی، ۱۳۹۵: ۱۸۰). در چنین محیطی، حضور یا عدم حضور ناظر یا کارفرما تأثیر قابل توجهی بر کیفیت انجام وظایف فعالان اقتصادی ندارد. یکی از روش‌های ایجاد روحیه خویش‌نظمی، تقویت احساس شخصیت و ارزشمندی در میان فعالان اقتصادی است که این موضوع از نیازهای اساسی روانی آن‌ها محسوب می‌شود؛ زیرا انسان، همان‌گونه که نیازمند غذا، هوا و محیط فیزیکی مناسب است، به احساس شخصیت در محیط اقتصادی، روابط اجتماعی مطلوب و احترام و صمیمیت نیز نیاز دارد (رجایی، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

در نظریه‌های مدرن انگیزش، محرک‌های مادی و روانی مبنای حرکت انسان اقتصادی است (فراهانی فرد، ۱۴۰۳)؛ اما قرآن انگیزش اقتصادی را در پیوند با نیت الهی و امید به پاداش اخروی می‌داند. بدین ترتیب، حتی فعالیت اقتصادی عادی، در صورت داشتن جهت الهی، عبادت محسوب می‌شود.

با توجه به سطوح سه‌گانه انگیزش شامل «مادی، تلفیقی و معنوی و الهی» (پیروز، ۱۳۸۴: ۲۳۷) و همچنین فقدان چنین انگیزه‌ای در مکاتب اقتصادی غیرالهی، سازوکار انگیزش در مکتب اقتصادی قرآن از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. در ادامه فهرستی از انواع انگیزش‌های الهی مبتنی بر قرآن ارائه می‌شود:

۱. از دیدگاه قرآن، خداوند پاداش هیچ انسانی را که ایمان داشته، خیرخواه باشد و کار نیک انجام دهد، ضایع نمی‌کند (آل عمران/

۱۷۱: اعراف/ ۱۷۰؛ توبه/ ۹۴ و ۱۲۰؛ هود/ ۱۱۵؛ یوسف/ ۵۶ و ۹۰؛ کهف/ ۳۰).

۲. ایمان و التزام به نظارت و اشراف کامل خداوند بر تمامی امور و همه افراد، همان گونه که در قرآن آمده است: «آیا انسان نمی داند که خدا او را می بیند؟» (علق / ۱۲؛ نحل / ۱۹؛ تغابن / ۲؛ آل عمران / ۱۲۰؛ انفال / ۲۷؛ هود / ۹۲؛ فصلت / ۵۲؛ بروج / ۲۰؛ نساء / ۱۰۸ و ۱۲۶) و سایر آیات مشابه.

۳. ثبت و ضبط دقیق جزئیات اعمال انسان ها توسط فرشتگان الهی به منظور جبران عادلانه و حکیمانه تلاش های آنان (قمر / ۵۳؛ انفطار / ۱۰، ۱۱ و ۱۲؛ زلزله / ۷ و ۸).

زمانی که باورهای فعالان اقتصادی در محیطی فکری و فرهنگی شکل گرفته و مستحکم شود، آنان به جای تمرکز صرف بر منافع شخصی، به انجام کار در راه خدا و در مسیر حق (فی سبیل الله) می اندیشند؛ این امر به تدریج موجب ارتقای بهره‌وری در نظام اقتصادی می گردد.

نتیجه گیری

از تحلیل داده های این تحقیق چنین نتیجه گیری می شود که همان طور که در ادبیات اقتصاد رفتاری مفاهیمی مانند ادراک، تصمیم گیری، یادگیری، انگیزش و فرهنگ اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است، قرآن نیز به نقش محیط و انواع آن در رفتار اقتصادی، ادراکات، تصمیم گیری، یادگیری، انگیزش و فرهنگ اقتصادی با تأکید بیشتری و به صورت هدفمند مطرح کرده است؛ با این حال، این یافته به معنای اسارت انسان در جبر محیطی نیست، چرا که انسان دارای اختیار و توانایی تغییر محیط فاقد اختیار به دلخواه خود و اعمال اراده اش است. قرآن برخلاف نظریات جبر محیطی، انسان را موجودی مختار و محیط ساز معرفی می کند که می تواند با هدایت وحی و ارزش های الهی، محیط اقتصادی را از عامل انفعال به بستر تعالی تبدیل کند. این نگرش، مبنای شکل گیری مکتب اقتصاد وحی محور و تفاوت بنیادین آن با اقتصاد رفتاری و نهادگراست.

حقیقت امر آن است که این دو در یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ از آن جهت که محیط ساخته و پرداخته انسان دارای اختیار و محیط ساز است. بنابراین انسان محیط ساز است چون مختار است و محیط نیز انسان ساز است چون ساخته و پرداخته انسان مختار است. نتایج تحقیق نیز نشان دهنده درستی این نکته بسیار مهم است که محیط در رفتار اقتصادی افراد نقش دارد و این نقش در ابعاد مختلف بروز و ظهور می یابد؛ بنابراین برای کنترل و نقش آفرینی مثبت و ارزشی محیط بر رفتار اقتصادی افراد، بهترین راه بهره‌مندی از آموزه های قرآن کریم است که تحقیق پیش رو آن را به اثبات رسانده است؛ مبنی بر این که در صورت عمل به راهبرد قرآنی درباره محیط های اقتصادی توسط مدیریت های خرد و کلان کشوری، شاهد نقش آفرینی محیط برخواسته از فرهنگ متعالی قرآن در رفتار مطلوب اقتصادی افراد خواهیم بود.

جدول ۱. خلاصه یافته ها

حوزه اثرگذاری محیط	آیات کلیدی	مفهوم قرآنی	تمایز یا دیدگاه های غیردینی	دلالت ها و بایسته های سیاستی
رفتار اقتصادی کلی	عنکبوت/ ۵۶، نساء/ ۹۷	هجرت اقتصادی، مسئولیت تغییر محیط	رد جبر محیطی، تأکید بر اختیار انسان	سیاست مهاجرت تولیدی و اصلاح ساختارهای ناعادلانه
ادراک اقتصادی	مائده/ ۱۰۴، اعراف/ ۱۳۸، قصص/ ۷۸	ادراک فطری در برابر محیط های منحرف	تفاوت با شرطی سازی تجربی اقتصاد رفتاری	آموزش اقتصادی بر پایه فطرت و اخلاق
تصمیم گیری اقتصادی	شعراء/ ۲۱۴، بقره/ ۱۹۳	تصمیم تدریجی بر اساس تکلیف الهی	تفاوت با عقلانیت ابزاری	سیاست گذاری تدریجی در اصلاح محیط اقتصادی بر پایه عدالت

یادگیری و تربیت اقتصادی	قصص/۲۷، اعراف/۵۸	یادگیری ایمانی در محیط پاک	تفاوت با یادگیری صرفاً تجربی	تربیت اقتصادی در نهادهای اخلاقی محور
فرهنگ اقتصادی	حشر/۹، آل عمران/۱۰۳، نساء/۵۸	ایثار، وحدت، امانت و مشورت	تفاوت با فرهنگ رقابتی و فردگرا	ترویج نهادهای اقتصادی تعاونی و امین
انگیزش اقتصادی	آل عمران/۱۷۱، یوسف/۵۵، زلزله/۷-۸	انگیزش الهی و معنوی	تفاوت با انگیزش مادی و روان‌شناختی صرف	طراحی نظام پاداش معنوی در سیاست‌های اقتصادی اسلامی

مأخذ: یافته‌های حاصل از پژوهش

منابع

- قرآن کریم. ترجمه حسین انصاریان.
- پورفرج، ع. و همکاران. (۱۳۹۴). دینداری و رفتار اقتصادی. روش‌شناسی اقتصاد آزمایشگاهی برای مطالعه انسان اقتصادی اسلام، ۷(۲)، ۳۳-۶۸. <https://doi.org/10.30497/ies.2015.1617>
- پورفرج، ع. (۱۴۰۳). ارتباط بین شناخت و رفتارشناسی مالی از منظر هایک. روش‌شناسی علوم انسانی، ۳۰(۱۲۱)، ۸۶-۱۰۱.
- پیروز، ع. (۱۳۸۴). مدیریت در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- توکلی، ع.، مسترحمی، س. ع.، و شایان، م. ه. (۱۴۰۱). بررسی و نقد معرفت‌شناسی مکتب سیستمی از دیدگاه قرآن. قرآن و علم، ۱۶(۳۰)، ۲۴-۵.
- توکلی، م. ج. و رفیعی پیشوری، ا. (۱۳۹۹). نگاهی نظام‌مند به ورود ارزش‌های اسلامی در نظریات اقتصادی. اقتصاد اسلامی، ۲۰(۸۰)، ۲۴-۵.
- حاجی ملادرویش، ن. (۱۳۹۷). مبانی اقتصاد رفتاری: تصمیم‌گیری فردی. تهران: نهادگرا.
- رجایی، م. ک. (۱۳۹۵). اقتصاد خرد (با نگاهی به مباحث اسلامی) (ج. ۲). قم: [بی‌نا].
- رضایی اصفهانی، م. ع. و جمعی از پژوهشگران قرآنی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر علوم قرآن.
- رضاییان، ع. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم. تهران: سمت.
- رضوی، ع. ر. (۱۳۸۱). رفتار اقتصادی کارگزاران حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رهبر، ف.، متوسلی، م. و امیری، م. (۱۳۹۲). اقتصاددانان رفتاری و نظریه‌های آن‌ها. برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۸، ۱۳۳-۱۶۵.
- رهبر، ف. و امیری، م. (۱۳۹۳). اقتصاد رفتاری و سیاست‌گذاری عمومی. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۹(۴)، ۱۴۷-۱۸۲.
- زمخشری، م. ب. ع. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتب العربی.
- سورنسی، ج. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر اندیشه‌های اقتصادی (ترجمه ع. سرزعی). تهران: نشر نی.
- شعبانی، ا. و عربلو، م. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های کنترلی حاکم بر انگیزه و رفتار اقتصادی انسان (از منظر اقتصاد اسلامی). مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۰(۲)، ۱۵۴-۱۲۹. <https://doi.org/10.30497/ies.2018.2233>
- طباطبایی، م. ج. (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیر القرآن. بی‌جا: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- عسگری، ح. و ابراهیمی، س. ا. (۱۳۹۹). واکاوی اقتصاد رفتاری در آیات قرآن. اقتصاد اسلامی، ۲۰(۸۰)، ۲۵-۵۰.
- فراهانی فرد، س. (۱۴۰۳). اقتصاد علم و تئوری انگیزش؛ دلالت‌هایی برای مطالعات اقتصاد مقاومتی. اقتصاد اسلامی، ۲۴(۹۳)، ۱۰۱-۱۳۹.
- <https://doi.org/10.22034/iec.2024.2026593.2741>
- قاسمی، م. ع. (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای سنن الهی و قوانین طبیعی مکتب فیزیوکراسی و تاثیر آنها بر نظریه‌های پایه در رفتار اقتصادی انسان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- قرائتی، م. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، س. ع. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قویدل، ع. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی اثرات طرح هدفمندی یارانه‌ها در رفتار تولیدکنندگان از منظر نظریه اقتصاد رفتاری به همراه دلالت‌های اقتصاد اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- کارتزیت، ا. (۱۳۹۶). اقتصاد رفتاری (ترجمه ق. عدلی و ح. شجاعیان میرحسینی). تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- کریم‌زاده، م. ع. (۱۳۹۸). بررسی عقلانیت در اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری و اقتصاد اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). قم: دانشگاه قم.

- کریمی موقی، ح. و حسینیان، ز. م. (۱۳۹۴). مکاتب و نظریه‌های روان‌شناسی پرورشی. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۷(۳)، ۷۱-۷۶.
- کریمی، ع. (۱۴۰۰). الگوی فرهنگ‌سازی رفتار اقتصادی مطلوب در رویکرد قرآنی (رساله دکتری). قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- محمدتقی، ن. م. (۱۳۹۹). تعامل دوسویه فرد و نهاد از منظر قرآن کریم و تبیین آن مبتنی بر حکمت اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۲۰(۷۸)، ۳۲-۵.
- مطهری، م. (۱۳۷۷). وحی و نبوت. قم: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۸۴). جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.
- معلوف، ل. (۱۳۸۴). المنجد (ترجمه م. ب. ریگی). تهران: انتشارات ایران.
- مکارم شیرازی، ن. و آشتیانی، م. ر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ندائی، ع. ا. (۱۴۰۱). تحلیل اثر آسیب‌های محیط اقتصادی ایران بر سیاست‌گذاری عمومی. مطالعات دولت‌پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۴(۸)، ۱۶۵-۱۸۷.
- واعظی، ر. (۱۴۰۰). مدیریت دولتی رفتاری؛ نظریه‌ای جدید در مدیریت دولتی. توسعه علوم انسانی، ۲(۴)، ۶۱-۸۲.
- <https://doi.org/10.22047/hsd.2022.182835>
- هادوی تهرانی، م. (۱۳۸۸). ساختار کلی نظام اقتصادی اسلام در قرآن. قم: رواق حکمت.
- هادوی‌نیا، ع. ا. (۱۳۸۳). انسان اقتصادی از دیدگاه اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- The Holy Qur'an. Translated by H. Ansarian. (in Persian).
- Altman, M. (2006). *Opening-up the objective function: Choice behavior and economic and non-economic variables—Core and marginal altruism*. Economics Bulletin, 4(33), 1–7.
- Asgari, H., & Ebrahimi, S. A. (2020). *An investigation of behavioral economics in Qur'anic verses*. Islamic Economics, 20(80), 25–50. (in Persian).
- Cartwright, E. (2017). *Behavioral economics* (Trans. G. Adli & H. Shojaeian Mirhosseini). Tehran: Donya-ye Eghtesad Publications. (in Persian).
- Farahani-Fard, S. (2024). *Economics of science and motivation theory: Implications for resistance economy studies*. Islamic Economics, 24(93), 101–139. <https://doi.org/10.22034/iec.2024.2026593.2741> (in Persian).
- Ghavidel, A. (2019). *Pathology of the effects of the targeted subsidy plan on producers' behavior from the perspective of behavioral economics with implications for Islamic economics* (Master's thesis). Tehran: Imam Sadiq University. (in Persian).
- Hadavi Tehrani, M. (2009). *The general structure of the Islamic economic system in the Qur'an*. Qom: Ravaq-e Hikmat. (in Persian).
- Hadavi-Nia, A. A. (2004). *Economic man from the Islamic perspective*. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought. (in Persian).
- Haji Moladarvish, N. (2018). *Foundations of behavioral economics: Individual decision making*. Tehran: Nahadgara. (in Persian).
- Karimi Monaghi, H., & Hasanian, Z. M. (2015). *Schools and theories of educational psychology*. Research in Medical Education, 7(3), 71–76. (in Persian).
- Karimi, A. (2021). *A model for promoting desirable economic behavior culture from a Qur'anic perspective* (Doctoral dissertation). Qom: Al-Mustafa International University. (in Persian).
- Karimzadeh, M. A. (2019). *Rationality in conventional economics, behavioral economics, and Islamic economics* (Master's thesis). Qom: University of Qom. (in Persian).
- Ma'louf, L. (2005). *Al-Munjid* (Trans. M. B. Rigi). Tehran: Iran Publications. (in Persian).
- Machlup, F. (1978). *Methodology of economics and other social sciences*. New York & London: Academic Press.
- Makarem Shirazi, N., & Ashtiani, M. R. (1995). *Tafsir Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. (in Persian).
- Motahhari, M. (1998). *Revelation and prophethood*. Qom: Sadra. (in Persian).
- Motahhari, M. (2005). *Society and history*. Tehran: Sadra. (in Persian).
- Nazarian Mofid, M. T. (2020). *The reciprocal interaction of individual and institution from the perspective of the Holy Qur'an based on Islamic philosophy*. Islamic Economics, 20(78), 5–32. (in Persian).

- Nedaei, A. A. (2022). *Analysis of the impact of Iran's economic environmental damages on public policymaking*. Government Studies in the Islamic Republic of Iran, 14(8), 165–187. (in Persian).
- Pirooz, A. (2005). *Management in Islam*. Qom: Research Institute of Hawza and University. (in Persian).
- Pourfaraj, A. (2024). *The relationship between cognition and financial behavior from Hayek's perspective*. Methodology of Human Sciences, 30(121), 86–101. (in Persian).
- Pourfaraj, A., et al. (2015). Religiosity and economic behavior: An experimental economics methodology for studying the Islamic economic agent. *[Journal title unspecified], 7*(2), 33–68. (in Persian).
- Qaraati, M. (2004). *Tafsir Noor*. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an. (in Persian).
- Qasemi, M. A. (2014). A comparative analysis of divine traditions and natural laws in the Physiocracy school and their impact on foundational theories of human economic behavior (Master's thesis). Tehran: Imam Sadiq University. (in Persian).
- Qureshi, S. A. (1992). *Qamus al-Qur'an*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. (in Persian).
- Rahbar, F., & Amiri, M. (2014). *Behavioral economics and public policymaking*. Planning and Budgeting Quarterly, 19(4), 147–182. (in Persian).
- Rahbar, F., Motavaseli, M., & Amiri, M. (2013). *Behavioral economists and their theories*. Planning and Budgeting, 18, 133–165. (in Persian).
- Rajaei, M. K. (2016). *Microeconomics (with an approach to Islamic discussions)* (Vol. 2). Qom: [n.p.]. (in Persian).
- Razavi, A. R. (2002). Economic behavior of agents in an Islamic government from the perspective of Imam Ali (Master's thesis). Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. (in Persian).
- Rezaei Esfahani, M. A., & A group of Qur'anic researchers. (2008). *Qur'an Mehr commentary*. Qom: Qur'anic Interpretation Research Center. (in Persian).
- Rezaeian, A. (2013). *Systems analysis and design*. Tehran: SAMT. (in Persian).
- Riley, G. (2017). *Behavioral economic policy in action*. Economic Revision Webinars. <https://www.tutor2u.net/economics/reference/behavioural-economics-policies-in-action>
- Salim, F. A. A., Maidin, A. J., Sarif, S. M., & Zainudin, D. (2019). *Developing entrepreneurship training curriculum based on Tawhidic paradigm and legal principles: A case study of Malaysia*. Economics, Management and Sustainability, 4(2), 30–39. <https://doi.org/10.14254/jems.2019.4-2.3>
- Shabani, A., & Arabloo, M. (2018). Controlling components governing human motivation and economic behavior (from the perspective of Islamic economics). *Islamic Economics Studies*, 10(2), 129–154. (in Persian).
- Sorensen, J. (2007). *An introduction to economic thought* (Trans. A. Sarzaeem). Tehran: Nashr-e Ney. (in Persian).
- Tabatabaei, M. H. (1973). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an*. [n.p.]: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. (in Persian).
- Tavakkoli, A., Mostarhami, S. E., & Shayan, M. H. (2022). *Review and critique of the epistemology of the systemic school from the perspective of the Qur'an*. Qur'an and Science, 16(30). (in Persian).
- Tavakkoli, M. J., & Rafiei Pishvari, I. (2020). *A systematic view on the incorporation of Islamic values into economic theories*. Islamic Economics, 20(80), 5–24. (in Persian).
- Vaezi, R. (2021). *Behavioral public administration: A new theory in public management*. Human Sciences Development, 2(4), 61–82. <https://doi.org/10.22047/hsd.2022.182835> (in Persian).
- Zamakhshari, M. B. O. (2028). *Al-Kashshaf 'an haqa'iq ghawamid al-tanzil wa 'uyun al-aqawil fi wujuh al-ta'wil*. Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi. (in Persian).